مجلس اول و محمد علی شاه

مستشار الدوله (صادقی)

وقایع مهمهء دوره‏های اولیه مجلس شورای ملی با مخاصمه دورهء اول که ابتدای‏ مبارزهء حکومت قانون با حکومت مطلقه بود از جهات چند خیلی لازم است باطلاع‏ جوانان کشور برسد تا بدانند در آن دوره‏ها،مؤسسین مشروطه ایران و نمایندگان‏ مجلس شورای ملی برای حراست حقوق موکلین خود و حفظ قوانین اساسی از تطاول‏ عمّال ارتجاع با چه اخلاص و شجاعت جانبازی کرده و در راه مقصود مقدسی که‏ پیشرفت آنرا مردانه برعهده گرفته بودند چگونه با توحید مساعی،شبانه روز صمیمانه‏ میکوشیدند بدون آنکه اختلافات عقیده و مسلک را در حریم آن بار دهند و سربار مشکلات دیگر سازند(برخلاف رویهء که امروز متأسفانه پیش‏آمده که حتی بدون‏ وجود اختلاف معقولی از تشریک مساعی گریزانند.)

تذکر و تخطّر آن وقایع و فداکاریهائی که برای حل و فصل آنها عاشقانه‏ تحمل میشد در حقیقت غبار غفلت و زنگ فراموشی را از روی آئینه تارخچه اتفاقات‏ گذشته پاک کردن است.آئینهء که باید همیشه پاک و روشن در منظر آیندگان قرار گرفته بین گذشته و حال معیار سنجش باشد تا اگر در مقایسه دیدند تفاوتهای حاصله‏ بسود مملکت است مباهات کنند و اگر فهمیدند که بر زیان آنست عبرت گیرند و بر کوشش و غیرت افزایند.

اینک نگارنده گوشهء از آن آینه را با سرشک چشم پاک کرده بنظر خوانندگان‏ محتر مجله میرسانم:

در دورهء اول مجلس شورای ملی(که آن زمان فی الحقیقه کعبه آمال ملت بود) تغییر رژیم حکومت اتفاقا با تغییر سلطنت توأم گشته بار سنگین مشکلات حادثه از دو تغییر مهم ناگهان بردوش قائدین قوم تحمیل گردید.مجلس تازه باز شده و هنوز همه نمایندگان در مرکز حاضر نشده،مظفر الدین شاه مرحوم شد نور اللّه مرقده و محمد علی میرزای ولیعهد بر تخت سلطنت نشست.این جوان خودکام که در ایّام ولیعهدی بدو داشتن مرّبی عاقل و عالم تحت‏تأثیر ندمای ناجنس بر همه مفاهیم استبداد و هوسرانی خو گرفته بود پس از نیل بسلطنت از دام مبرم(بلی قربان)ها رهائی نیافت‏ و معاشران منفعت‏پرست او را بر یک سلسله اقدامات جاهلانه و جابرانه وارد ساختند.

شرح مفصل آن تشبثات از موضوع این نگارش خارج است.یکی از انواع‏ تحریکات و تشبثات مفسدانه را من باب نمونه مینویسم(به قصد اتلاف چند تن معین‏ از نمایندگان مکرر دستجاب آدم‏کش از قفقاز اجیر کرده به تهران میآوردند و ما مجبور بودیم در بحبوحهء عوامل سیاسی اجتماعی و اقتصادی که بدون اندک فرصت شبانه روز ما را اشغال کرده بود در تهران و باد کوبه به تمهید وسایل پردازیم تا اقدامات شرربار مزبوره از اثر بیفتد)

چون علی رغم مساعی مصلحانه و خامت اوضاع از قبیل تجاوز بر شئون قوانین، سلب امنیت،سوءقصدها،قتل‏ها و غیره روزافزون گردید،مجلس شورای ملی مجبور شد بار دیگر اعتراضات خود را روی کاغذ ریخته به‏عنوان آخرین اتمام حجت به نظر شاه‏ برساند که اگر نتیجه آنی حاصل نشود لااقل با شهادت تاریخ تکلیف نمایندگی ادا شده باشد،علیهذا نگارنده که آنوقت در هیئت رئیسه مجلس منشی بودم بانشای نامهء که ذیلا بنظر قارئین گرام میرسد مأمور شدم.

مضمون نامه بمذاق نمایندگان و آقایان علماء اعلام که در دورهء اول بمذاکره‏ مجلس شرکت داشتند موافق آمده پس از سه چهار بار تکرار قرائت با هیجان پرحرارت‏ و اتفاق آراء تصویب و توسط هیئت منتخبهء شش نفری بشاه ابلاغ شد.

با اندک دقت به مندرجات نامه طرز فکر و عمل و شهامت اخلاقی نمایندگان‏ آن دوره بخوبی معلوم میشود زیرا همه میدانستیم که مطالعه این نامه آتش غضب شاه را تندتر و تصمیم او را(که با اجازهء اجانب تأیید شده بود)در توپ بستن مجلس،حبس و قتل‏ آزادیخواهان تسریع خواهد کرد،معهذا به پاس سوگندی که از روی ایمان نه ظاهرسازی‏ و فورمالیته‏بازی برای خود مشروطیت یاد کرده بودیم،ادای تکلیف را واجب شمردیم.